



\*  
فرحناز وطن خواه

شیوه این مکاتیب، به ویژه تبدیل روش ایجاز به اطناب، ذکر تحمیدی و براعت استهلال و تقسیم مکتوب به ارکان مختلف می‌باشد.

پس از حمله عرب تا حدود دو قرن و نیم، از کیفیت انشای مکاتیب اطلاعی در دست نیست و پس از تشکیل دولتهای ایران تا قرن پنجم، دیوان سلاطین به زبان عربی بوده است. در آغاز سلطنت مسعود غزنوی، زبان فارسی همپای زبان عربی در دیوان بکار رفته و غالب نامه‌ها به فارسی بوده است. از اسلوب مکاتبات این دوران می‌توان به: بسط و اطناب مفاهیم، کاربرد اسلوب مکاتیب عربی همچون ذکر ان شاء الله، والسلام، عناوین و نعوت مختصر، تکلفات و صنایع نه در حد بسیار و... اشاره نمود<sup>۳</sup> و از قدیمی‌ترین مکاتیب این دوران مکتوبات خواجه بونصر مشکان، اخوانیات ابوسعید ابوالخیر، مکاتیب غزالی و منشآت سنایی، قابل ذکر است.

تا حدود قرن ششم، مبنای مکاتبات بر سادگی است و نثر سامانی و غزنوی در منشآت نویسندگان اثر عمیق داشته است، لیکن در قرن ششم، استعمال تکلفات لفظی و سجع و موازنه و امثال و شواهد عربی و فارسی معمول می‌گردد.<sup>۴</sup> کاربرد عناوینی همچون: اجل، کبیر، اوحد، عمادالملّة والدین، اکمل و... ذکر ادعیه به ویژه ادعیه عربی و گاه فارسی همچون: ادام‌الله تأییده، اطل‌الله بقاؤه، وسجع نویسی به استثنای نامه به فرودستان، شیوه معمول این دوران بوده است.<sup>۵</sup> برخی از کتب این دوران عبارتند از: عتبه‌الکتبه، التّوسل الی التّرسل (این کتاب را به عنوان مقدمه‌ای برای فساد نثر این دوره به جهت تطویلها و عبارات بی‌مغز دانسته‌اند)، منشآت خاقانی، منشآت رشید و طوط و مکاتیب



## مخزن الانشاء

### و گزارشی از تصحیح آن



حفظ فرهنگ و ادب هر مرز و بوم، در گرو حفظ آثاری است که در پویایی و استحکام آن فرهنگ نقش بسزا داشته‌اند و تلاش برای کمرنگ نشدن چهره این آثار گرانمایه که حاصل اندیشه، مهارت و وسعت معلومات پیشینیان است، هدف دوستداران آن متون می‌باشد.

در میان این متون، آنچه در موضوع ترسل و اصول خاص آن به قلم تحریر درآمده است، جایگاه خاصی در ادوار مختلف تاریخی داشته است و از دیرباز، نگارش کتبی مشتمل بر اقسام نامه‌های تاریخی، اجتماعی، ادبی، عرفانی و سیاسی به طور خاص و نیز نگارش کتبی در باب قواعد و رسوم این فن به طور عام معمول بوده است، گرچه آثار تصحیح شده از کمیّت چندانی برخوردار نیست، لیکن به تصریح منابع موجود می‌توان به مرتبه آن در میان اقسام مکتوبات واقف گشت.

مکاتبات پیش از اسلام عمدتاً ساده و بلیغ و گاه همراه با بسط کلام (در دوره ساسانی) می‌باشد و شامل دسته‌هایی همچون: فتح نامه‌ها، صدر مناشیر، سوگند نامه‌ها، اخوانیات، سلطانیات، و... می‌باشد. برخی از آثار موجود عبارتند از: عهد شاپور، مکتوب اردشیر به وزیران در باب مملکتداری، فتحنامه بهرام گور و...<sup>۱</sup>

از مکاتیب دوره جاهلی اعراب، اثر چندانی باقی نیست و قدیمی‌ترین آثار مکتوب در این دوران شامل نامه‌های پیامبر به زعما و سلاطین، همچون پادشاه ایران خسرو پرویز، قیصر روم، خالد بن ولید و... می‌گردد.<sup>۲</sup>

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

قائم مقام، مراسلات و فرامین یکباره سست و کم مایه و مغلوط می شود و بعد از امیر کبیر در عهد ناصرالدین شاه، بار دیگر توجه به مراسلات درباری و ادبیات معطوف می شود و تقلید از ساده نویسی فرنگ قوت می یابد.<sup>۱۱</sup>

با توجه به ضعف موجود در زمینه نامه نگاری و روشهای آن، احیا و تصحیح این دست از آثار، حائز اهمیت می باشد.

کتاب مخزن الانشاء تألیف حسین بن علی واعظ کاشفی که به جرأت می توان آن را از منابع ارزشمند در زمینه ترسل معرفی نمود، نه تنها از حیث شمول و وسعت مطالب، بلکه به جهت حسن سلیقه مؤلف و ترتیب کتاب به شیوه خاص همراه با جداول متنوع، در خور توجه و نیازمند تصحیح بوده است.

### مخزن الانشاء

کتاب مخزن الانشاء به نام سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنویبی، در نامه نگاری و نمونه انشاهای مختلف در یک مقدمه، سه صحیفه و یک خاتمه، به طریق جدولی، در تاریخ ۹۰۷ (هـ. ق) تألیف شده است. صحیفه اولی در خطبایات،

در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم نویسندگان، نثر مکاتیب را از پیرایه تکلف و تصنع رهایی دادند، اما این تحول مدت زیادی دوام نیاورد و کتابهایی همچون دستورالکاتب هندوشاه و مکاتیب خواجه رشیدالدین نزدیک به فن مصنوع نگاشته شدند.<sup>۷</sup>

در قرن نهم هجری در فن ترسل، استادانی در ایران و هند، سرگرم ایجاد آثار بوده اند و حتی در آثار ساده و خالی از تکلف، واژه های تازی بیرون از شمار است و در نثر مکاتیب به ویژه در اواخر این عهد که از زمان شاهرخ می گذرد، استعمال لغات و ترکیبات دشوار عربی و صنایع بدیعی و استعاره و کنایات و سجعه های تازه ای به خود می گیرد و «تاریخ ظفرنامه تیموری» تألیف شرف الدین علی یزدی در سبک مکاتیب مخصوصاً در عصر صفوی اثری عمیق ایجاد می کند. از کتب این دوره می توان: همایون نامه، فرائد غیائی و منشأ الانشاء را نام برد.<sup>۸</sup>

در اوایل قرن دهم تعارفات و مجاملات و تطویل و تکلف معمول می گردد و در دوره صفوی با شدت و تا عصرهای بعد به ویژه از جهت غلبه الفاظ بر معنی و رواج عبارات فریبنده و گزافه گویی ادامه می یابد.

مکاتیب اخوانی نیز در این دوران بی شمار است و سبک این نامه ها بنابر ذوق و قریحه و میزان اطلاعات متفاوت است. از سوی دیگر مضامین رایج در مسائل جاری زندگی همچون شکایات از محرومیت ها و مصائب، تعزیت و تسلیت، دوری و هجران، جفای یاران و ستمکاری روزگار در مراسلات به کار می رود.<sup>۹</sup> از مکاتیب این دوران، نامه نامی، منشآت میرزا طاهر قزوینی، منشآت السلاطین فریدون بیگ و آثار مترسلان هند، همچون شاه طاهر دکنی، بدایع الانشای یوسفی هروی، مکاتبات فیضی دکنی و... قابل ذکر است.<sup>۱۰</sup>

پس از دوران صفویه، در دوره افشاریه، بقیه انحطاط ادبی به ویژه در نثر پیداست و میرزا مهدی خان با کمال قدرت قلم، گاه نتوانسته است جلوی طغیان قلم را بگیرد. پس از او منشیان غالباً به شیوه او می نوشتند، جز تعدادی از آنها از قبیل قائم مقام که از نمایندگان منشیان زمان قاجار است و از مختصات نثر او شیرینی و عذوبت الفاظ، کوتاهی جملات، حفظ زواید القاب و استشهادات مکرر می باشد. بعد از مرگ

عکس صفحه ۹۳ از نسخه ج (کتابخانه مجلس)

صحیفه ثانیه در جوابیات... صحیفه ثالثه در احوال ضروری الذکر و خاتمه در اثبات بعضی از مکاتیب می باشد.

پس از تألیف این کتاب، مؤلف مختصری از آن را در کتابی موسوم به صحیفه شاهی به نام ابوالحسن میرزا گرد آورده که ظاهراً این کتاب در هند چاپ شده است.<sup>۱۲</sup>

از جمله ارزشهای این کتاب، وسعت مطالب اعم از اشعار فارسی، عربی و منثورات متعدّد در موضوع نامه نگاری است و نیز وضع جداول مختلف در کتاب. از این کتاب به عنوان اثری در زمینه آداب نگارش به طبقات و اصناف مردم که به ویژه در سبک شناسی به کار می آید<sup>۱۳</sup> و نیز به عنوان نمونه کاملی از منشآت سده نهم که سرمشق نامه نگاری گردیده، یاد کرده اند. بررسی بخشهای مختلف کتاب این نکته را بدیهی می سازد که در حقیقت، این کتاب، بیان نمونه هایی از اقسام مکاتبات است به افراد طبقات جامعه، نه به صورت کامل. بلکه به گونه جزء جزء و مجزاً. مقصود آن که مؤلف پس از تقسیم مکاتبات و طبقات و اصناف مردم، قطعات منثور یا اشعار و عبارات مورد نظر در نگارش نامه به این طبقات را ذکر می نماید. به طور مثال آنچه را لازم ذکر در افتتاح نامه به پادشاه یا قاضی یا عوام الناس...

است، در بخش مربوط ذکر می نماید و آنچه لازم احتتام، تحیت، عرض اخلاص، زمان کتابت و... است در بخش دیگر. هرمان آته در باب انشاء، تصانیف را بر دو قسم می داند، یک تصانیف راه نماینده به سبک نامه نویسی خوب و دیگر مجموعه منشآت نمونه و سرمشق، که گاه این دو نوع با هم تلفیق می گردد.<sup>۱۴</sup>

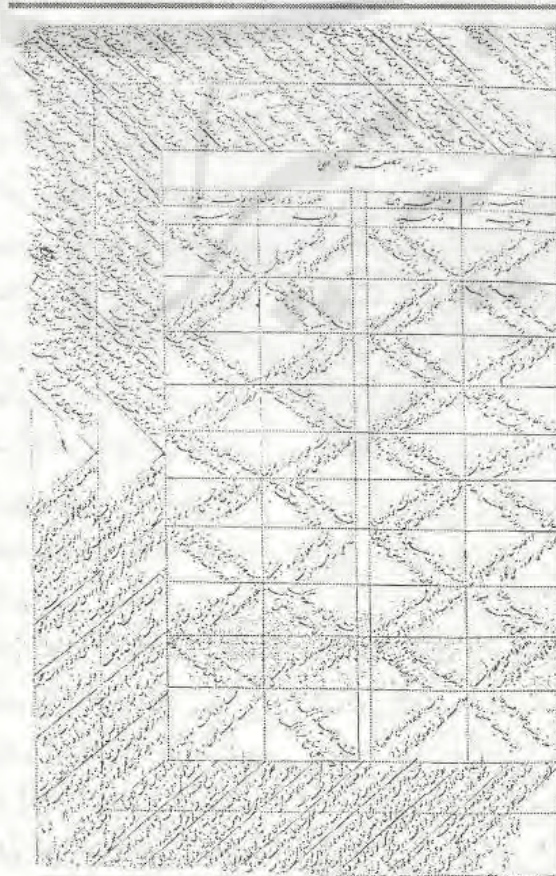
بدین ترتیب مخزن الانشاء نه به طور خاص حاوی مجموعه نامه های تاریخی، سیاسی و... است و نه منحصراً به ذکر قواعد ترسل پرداخته، بلکه برگزیده ای از نظم و نثرها و ادعیه و عباراتی

است که در مکاتیب ذکر می گردد همراه با ذکر قواعد اجمالی پیرامون آداب نگارش در آغاز هر فصل. مؤلف، چنانکه مرسوم است، کتاب را با تحمیدیه آغاز می کند و کلام را با توصیفات از معنی، بیان و ارزش و اعتبار خط و قلم می آراید، سپس به ذکر اقسام کتابت پرداخته و چگونگی صحایف سه گانه را بیان می دارد و در مقدمه و نیز ابواب کتاب از حلیه سجعیهای گوناگون بهره می گیرد.

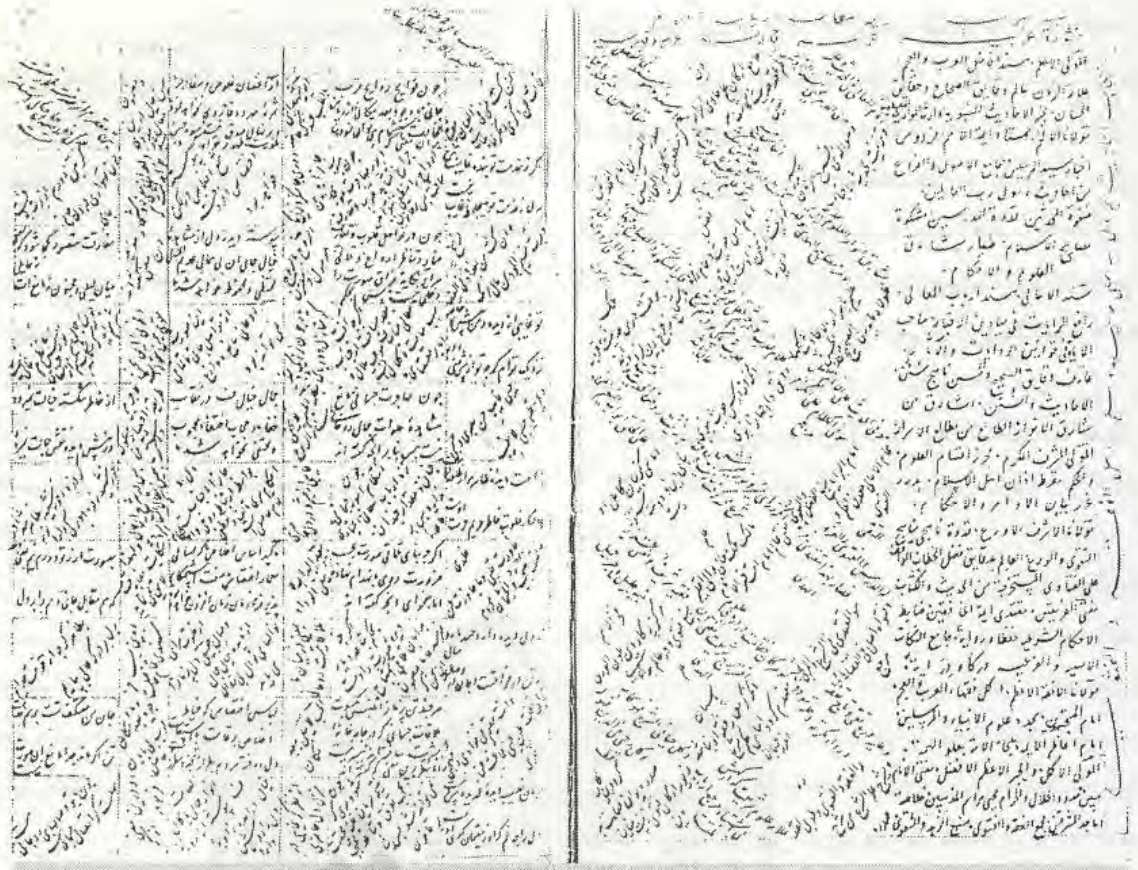
به جهت آشنایی و معرفی بیشتر کتاب، به ذکر برخی از تقسیمات، مطالب و نمونه هایی از متن می پردازیم. مؤلف، افراد را به سه طبقه اعلی، اشرف و اوسط و هر یک از طبقات اعلی و اشرف را به هشت قسم، و طبقه اوسط را به چهار قسم تقسیم می کند به شرح زیر:

۱. طبقه اعلی: ۱. سلاطین ۲. اولاد ملوک ۳. معظّمات ملوک یا خواتین و محرمان حرم ۴. امرا و حکام ۵. صدور و مقربین یا اهل تقرب ۶. وزرا و اعیان دولت ۷. ارباب قلم و عمال یا ارباب الدواوین ۸. سایر ملازمین (قسم هشتم به دسته های دیگر منقسم می گردد که عبارتند از: ضابطان امور سپاه، پروانچی، منشی دیوان، مستوفی، خازن، ایلچی، متولی وقف، صاحب جمع وقف و متفرقه)

۲. طبقه اشرف: ۱. سادات و نقبا ۲. ائمه و مشایخ اسلام ۳. قضات و حکام محکمه اسلام ۴. مشایخ و هداة ۵. اهل درس و فتوی یا ارباب علوم شرعیّه ۶. اصحاب مناصب شرعیّه ۷. حکما و محققین ۸. ممتازین از عوام (اصحاب مناصب شرعیّه: محتسب، صدر حفاظ، حفاظ، قاری، ائمه مساجد، مؤذن، معرف)، (ارباب علوم شرعیّه: مفسر، محدث، مفتی و فقیه، مدرّس یا اهل عربیّه، خطیب، مذکر، اهل وعظ، معید، طلبه و ادیب)، (فضلا و محققین: حکما، اطبا، علمای هیئت، منجمین،



عکس صفحه ۲۸ از نسخه ج (کتابخانه مجلس)



عکس صفحات ۴۰ و ۶۴ از نسخه اساس (دانشگاه تهران)

افتتاح اخوانیات مشتمل بر ۵ حرف: (۱. افتتاح به تقدیم  
 تحیات ۲. حواله حالات به ضمائر ۳. قرب معنوی ۴. دوام ذکر  
 ۵. تمهید قواعد محبت قبل از ملاقات)

مثال افتتاح مشهور برای شعرا:

یا أَشْرَفَ الْفُضَلَاءِ يَا مَنْ نَظَمَهُ كَالدَّرِّ يَجْلُو وَ الثَّوَابِ يَلْمَعُ  
 «نغایس افکار و عرایس ابکار (ف)»<sup>۱۵</sup> زیب نگارخانه اشعار باد و  
 عنایت ربانی به وقت سخنرانی، قرین اوقات آن خلاصه ادوار»  
 ای چهره کلام ز نظم تو تابدار

در سخن از آتش طبع تو آبدار

افتتاح مقبول بر چهار نوع و حاوی مصارح و ابیات عربی  
 و فارسی است و مؤلف اصطلاحات: سوابق، لواحق و فقرات را  
 برای ذکر مطالب آورده است، مثال از نوع دوم از افتتاح  
 مقبول:

لَوْ كَانَتْ أَمْوَاجُ الْبِحَارِ مِدَادَهُ نَفَدَ الْبِحَارُ وَ وَصَفَهُ لَا يَنْفَدُ  
 از آن بلندتر است آفتاب را پایه

که ذره دست به دامان او تواند زد

«دبده کمال وصیت عزت و جلال (ف)» از مدارج غیرا  
 متجاوز و بر معارج خضرا متساعد است و شرح رشحی از آن از

خطاط، شعرا، نقاش، اهل موسیقی یا ادوار، ندما)، (ممتازین از  
 عوام: حاجی، غازی، زهاد و عباد، گوشه نشینان، زاویه داران،  
 خرقه پوشان و سایر فقرا)

۳. طبقه اوسط: ۱. اصول و اعیان ۲. معارف و مشاهیر ۳.  
 اوسط الناس ۴. سایر عوام یا سایر الناس. تقسیمات طبقات در  
 اکثر بخشها به استثنای مواردی بر همین منوال می باشد.

چنانکه ذکر آن رفت، صحیفه اولی در مکاتیب خطابی و  
 مشتمل بر ۱۲ سطر است به عبارت: ۱. افتتاح ۲. صفات ۳.  
 القاب ۴. ادعیه ۵. ذکر کاتب ۶. عرض تحیات ۷. عرض  
 اخلاص ۸. شرح شوق ۹. ذکر زمان ۱۰. ذکر مکان ۱۱. اختتام  
 ۱۲. عنوان.

مؤلف در برخی قسمتهای کتاب در سطور فوق الذکر،  
 اشعار عربی و فارسی و منثورات جداگانه برای طبقات  
 هشتگانه ذکر نموده و در برخی سطور به طور کلی مطالبی  
 ذکر شده، به ویژه در اخوانیات که نظر بر تساوی مراتب است  
 و طبقات مفهومی ندارد. اینک مثالهایی از سطور مختلف:

سطر اول در افتتاح مکاتیب مشتمل بر دو کلمه: ۱.  
 افتتاح طبقات مشتمل بر ۳ حرف (مشهور، مقبول، اسهل) ۲.

حد ادراک فکر و قیاس و احاطه فهم هر سخن شناس متزاید، و بر این تقدیر نه زبان را قوت ستایش است و نه فهم را در ساحت ادای آن گنجایش (ع): «وَكَيْفَ يَشْرَعُ فِيمَا لَانَفَادَلَهُ».

**سطر ثانی در صفات منثور و منظوم:** در این سطر، مؤلف صفات نظم و نثر مطابق با طبقات مختلف ذکر نموده، که گرچه اشعار غالباً عاری از لطایف شعری و نظم گونه است، با دقت و مهارت انتخاب شده.

مثال صفات منثور و منظوم جهت معظمت و خواتین ملوک: «المَلَكَةُ العَظْمَى، مَظْهَرُ انوارِ الايَالَةِ الكَبِيرَى، واسطَةُ انتظامِ البلادِ بالاهتمامِ في امورِ الرَعَايَا، ناظِمَةُ مصالحِ جَمْهُورِ العبادِ بالعواطفِ و العطايا».

بلقىس تخت سلطنت آن کز کمال عقل

ملک است در حمایت تدبیر و رای او

مثال برای اطباء: «وارث منصب جالینوس، مقوی الارواح و مربي النفوس، المحيي بنفثات ميامن انفاسه، مقوی الابدان».

لَوْ كَانَ بِقُرَاطٍ حَيًّا كَانَ مَتَّخِذًا

مِنْ نُورِ تَدْبِيرِهِ فِي الطَّبِّ مِصْبَاحًا

**سطر ثالث در القاب طبقات سه گانه و مختص القاب**

منثور می باشد، مثال از القاب قضاة و ائمه: «اعدل قضاة المسلمين، برهان الحق و الملة و الشريعة والدین، ملاذ طوائف المحققین، فصیح الملة و الشريعة و الدنيا و الدین»

**سطر رابع در ادعیه و مشتمل بر دو قسم معین و غیر معین است که هر کدام تقسیمات خاص خود را داراست، ادعیه مربوط به افتتاح مکاتیب در سطر اول ذکر شده و ادعیه مربوط به اختتام در سطر یازدهم و در سطر رابع منحصرأ به تقسیم ادعیه پرداخته است.**

**سطر خامس در ذکر (وصف) کاتب مشتمل بر دو کلمه:**

۱. در طبقات سه گانه ۲. در اخوانیات مثال ذکر کاتب برای اولاد ملوک:

«چاکر کمترین و بنده کبهرترین که بر جاده نیکو بندگی و

شارع ضراعت و سرافکنندگی راسخ دم و ثابت قدم است».

مثال برای اخوانیات: «مخلص المحبة که همیشه در تأکید میانی مودات و تمهید قواعد موالات کوشیده و پیوسته لباس ولای اولیای آن جناب طوبی لهم و حسن مآب پوشیده»

**سطر سادس در ادای تحیات مشتمل بر دو کلمه:** ۱. در

طبقات سه گانه ۲. در اخوانیات مثال تحیات جهت اهل علوم



عکس صفحات ۷۸ و ۸۸، نسخه اساس (دانشگاه تهران)

دینیّه: «به ارسال دعایی که هبوب نسایمش از ریاض خلوص و داد باشد و ورود شمایمش بر موارد خصوص ارادت و حسن اعتقاد، تصدیق سده علیّه می دهد».

**سطر سابع در عرض اخلاص** مشتمل بر دو قسم طبقات و اخوانیات

مثال عرض اخلاص جهت مشایخ کبراء:

«و بر تعاقب ازمنه و دهور، و تتابع ایام و شهر، مزید افاضات روحانی آن مظهر الطاف ربّانی از جناب احدیت در می خواهد، ان هذا الدعا خیر الدعا».

**سطر ثامن در شوقیات** مشتمل بر سه کلمه: ۱. شرح فراق ۲. بیان اشواق ۳. دعای ملاقات  
مثال از بیان فراق:

«حقاً که وهم خیال انگیز به کنه نکته‌ای از شرح آلام فراق نمی تواند رسید و فهم دوربین از ادراک ارجاء و انجای بادیّه اشواق خبر نمی تواند داد».

شکایت شب هجران نه آن حکایت حال است

که شمه‌ای ز بیانش به صد رساله برآید  
**سطر تاسع در ذکر تاریخ کتابت** که از بخشهای اصلی یک مکتوب بوده و مؤلف، نمونه‌هایی از ایام متبرکه و شهر عربی را جهت آشنایی ذکر نموده، مانند:

«اواخر ماه شوال خصه الله بمزید النوال، حدیقه طاعت را به زلال این ضراعت تازه می سازد»، یا «صبیحة یوم عید الفطر، لزال فایض المیامن، رایح العطر، به رفع این صحیفة الضراعة قدم بر بساط انبساط می نهد».

**سطر عاشر در مکان کتابت** که مانند سطر پیشین، مؤلف به ذکر مکانها و عبارات هم قرینه با آن، کلام را زینت می بخشد:

«از بلدة ابیورد، وقی الله اهالیها عن آفات الحرّ و البرد، معروض می گردد».

**سطر حادی عشر در اختتام** مشتمل بر دو کلمه: ۱. مقدمات ۲. دعا، چنانکه مؤلف متذکر می شود، کلیه ادعیه که در سطر اول کتاب (افتتاحات) آمده است، قابل ذکر در این بخش می باشد، جز آنکه نام مکتوب‌الیه که در افتتاحات می آید، در این سطر مذکور نمی گردد.

مثال از دعوات اختتامیه جهت متجنده: «اعتلای لوای رفعت در زیادت باد و جریان احوال بر مقتضای ارادت».

دولت را باد حشمت بر یمین

عزت را باد شوکت بر یسار

**سطر دوازدهم در عنوان مکتوب و مشتمل بر اقسام**

منثور و منظوم عربی و فارسی می باشد. مثال منظوم در عنوان:

دل در هوس وصال چون بوالهوسان

تاکی خبر حبیب پرسد ز کسان

من دیر همی رسم بر همنفسان

بر پیچ توای نامه و خود را برسان

مطالب فوق در سطور دوازده گانه کتاب در جداول مرتب

گردیده است و آنچه ذکر گردید به عنوان نمونه و برای آشنایی با تقسیمات کتاب می باشد.

**سبک و مختصات ادبی مخزن الانشاء**

بحث پیرامون مختصات ادبی کتاب که منحصر آن به عنوان کتابی مستقل با سبک خاص، بلکه به عنوان مجموعه مطالب متنوع و احیاناً برگزیده از منابع متعدد مطرح است، امری است دشوار، لیکن با توجه به سبک دیوانی و چگونگی مراسلات درباری و دولتی و اخوانیات (به ویژه در قرن ۹ و ۱۰) می توان خصایص زیر را ذکر نمود:

۱. چنانکه مؤلف در مقدمه کتاب می گوید، مخزن الانشاء عاری از استعارات و تشبیهات غریب است، لیکن فاقد استعاره و تشبیه نیز نمی باشد و گاه از تشبیهات ساده بهره گرفته است مانند: غواص بیان، دریای قصور، صحرای وجود و...

۲. قرینه سازیهها و سجع های مکرر به ویژه سجعهای متوازی که عمدتاً سبب زینت کلام می گردد.

۳. استعمال عبارات تصنعی و ساختگی که گاه رنگ تملق و مجامله در آن آشکار است و از خصایص عمده قرن ۹ و ۱۰ می باشد و مؤلف به جهت تقید بر قرینه سازی از آنها بهره گرفته و این سبب غلبه الفاظ بر معانی به ویژه در بخش ادعیه و القاب گردیده است.

۴. استشهاد به آیات کوتاه و ساده، و نیز استناد به اقوال و احادیث که مشخصه آیات و عبارات مذکور آن است که: در اکثر موارد در حکم مضاف‌الیه عبارت می باشد مانند: «مطرح اشعة یأمر بالعدل و الاحسان» گاه به دنباله کلام منثور می آید مانند: «سده خلاف پناه و عتبه گردون اشتباه (ف)» به تواتر امداد عطیات الهی مخصوص باد و به تعاقب اسباب ارتفاع و

ترادف آثار اعتلا کأنهم بُنْیان مَرصُوصٌ، و گاه به عنوان قید جمله استعمال شده است و مؤلف تصرّقاتی در آیه نموده است، مثلاً نویسنده به جای «و اللَّیْلُ إِذَا یَغْشَى» فی اللَّیْلِ ذکر نموده.

۵. آمیختگی ترکیبات قران نظیر «بالغدو والاصال - بالعشی والابکار...» با عبارات فارسی.

۶. آمیختگی کلمات و ترکیبات عربی با عبارات فارسی، نظیر: یوماً فیوماً، مرّة بعد اخرى...

۷. به کارگیری ابیات و مصاریع عربی: قریب ۲۰۰۰ بیت و مصرع در صحیفه اولی کتاب موجود است که گاهی ابیات سست و خالی از محاسن بلاغی و بدیعی بوده و تنها به جهت موضوع استعمال گردیده است، با این وجود این امر از ارزش کتاب نمی‌کاهد و کثرت اشعار، و تقید بر استعمال، سبب کاربرد این ابیات گردیده و ابیات حاوی معانی برتر به‌ویژه در بخش اخوانیات، شوقیات و فراقیات یافت می‌شود.

۸. مؤلف در کاربرد حرف جرّ دقت چندانی نداشته است و آنچه قاعده زبان عربی است در مواردی رعایت نشده است، از سوی دیگر در قواعدی نظیر: تطابق صفت و موصوف، مختصات مضاف، کاربرد افعال از حیث شخص و مخاطب و مغایب، کاربرد ضمائر مذکر و مؤنث و... بی‌مبالاتی صورت گرفته است.

۹. اشعار فارسی مانند اشعار عربی، ساده و گاه سست و نظم گونه و خالی از لطف می‌باشد و بخش عمده‌ای از آنها (در بخش صفات) ابیات منتخب از قصاید مدحی است، با این حال اشعاری زیبا از حافظ، سعدی، جامی، انوری و... نیز در متن یافت می‌شود.

### شیوه کار و روش تصحیح متن

در تصحیح مخزن الانشاء نسخه مورخ ۹۰۷ (طویقاپوسرای) به جهت تکمیل نسخه و قدمت، به عنوان اساس انتخاب، و متن مطابق آن تصحیح، و اختلافات نسخه مجلس (مورخ ۹۴۸) با آن در نسخه بدلها مذکور گردید، لیکن در مواردی که ضبط نسخه مجلس (مورخ ۹۴۸) به جهاتی برتر بوده و قاعدتاً تردیدی در رجحان آن وجود نداشت، ضبط اساس را به نسخه بدل منتقل و ضبط مجلس (مورخ ۹۴۸) را اختیار نمودیم. از سوی دیگر حتی الامکان از تصحیحات

قیاسی و مطابق رای شخصی اجتناب نمودیم جز در مواردی که ضبط دو نسخه، دارای سهو آشکار بوده و ضبط آن در متن، سبب اغلاط فراوان می‌گردید. گاه در دو نسخه از حیث قواعد عربی به‌ویژه کاربرد حروف جرّ خطاهایی موجود است که موارد عیناً در متن مذکور و طریق اصح در نسخه بدل ذکر گردید.

ذکر منابع اشعار فارسی و عربی به جهت کثرت در حوصله رساله حاضر نبوده و منحصراً در موارد چندی با مراجعه به منابع، نام شاعر مذکور گردیده و اعراب اشعار عربی نیز به طور کامل عنوان شده است. نکته دیگر آنکه متن به گونه جدولی تایپ و تنظیم شده و به جهت مشکلات موجود در ترتیب جداول به صورت اساس، گاه تغییراتی صورت گرفته است، و نیز در رسم الخط متن از شیوه متداول کنونی با استناد به کتاب نگارش و ویرایش تألیف دکتر محمد جعفر یاحقی استفاده شده است. در هر حال، در تصحیح متن کتاب سعی بر آن بوده است که رعایت امانت اعمال گردد. امید است عذر مصحح در موارد اختیار نمودن تصحیحات قیاسی که نه به رأی شخصی، بلکه با تأیید اساتید بزرگوار و به جهت ارائه متنی اصح بدان توسّل نموده است، پذیرفته باشد.

### پی‌نوشتها

۱. ر.ک به: خطیبی، حسین، فن نثر در ادب فارسی، انتشارات زوار، چاپ اول، ۱۳۶۶، صص ۲۸۳ به بعد.

۲. ر.ک به: القلقشندی، احمد بن علی، صبیح الاعشی فی صناعة الانشاء، شرح و تعلیق محمد حسین شمس الدین، انتشارات دارالفکر، الدار الکتب العلمیه، بیروت - لبنان، چاپ اول ۱۴۰۷، ج ۶، صص ۳۸۲ - ۳۶۷.

۳. ر.ک به: خطیبی، حسین، فن نثر در ادب فارسی، صص ۳۱۱ - ۳۱۲.

۴. ر.ک به: ثابتیان، ذبیح‌الله، اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره صفویه، با مقدمه ذبیح‌الله صفا، به سرمایه کتابخانه ابن سینا، تهران، ص ۳۰.

۵. نقل به اختصار از خطیبی، حسین، فن نثر در ادب فارسی، صص ۳۲۳ به بعد.

۶. ر.ک به: صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ سوم ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۹۵۷ - ۹۵۶.

۷. ر.ک به: ثابتیان، ذبیح‌الله، اسناد و نامه‌های تاریخی...، ص ۳۵.

۸. نقل به اختصار از: صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۱۲۲ و نیز ثابتیان، ذبیح‌الله، اسناد و نامه‌های تاریخی، ص ۴۶.

۹. ر.ک. به: ثابتیان، ذبیح‌الله، اسناد و نامه‌های تاریخی، صص ۲۵۶-۲۵۳.
۱۰. نقل به اختصار از: صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲/۵. صص ۱۵۹۵ به بعد.
۱۱. نقل به اختصار از: بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، صص ۳۱۱-۳۱۰ و نیز مقدمه منشآت قائم مقام، به کوشش بدرالدین یغمایی، ص ۵۲.
۱۲. در مقدمه کتاب تفسیر حسینی (تصحیح جلال نائینی) اثر واعظ کاشفی، ضمن معرفی کتاب مخزن الانشاء آمده است: «یکی از منشیان، نامه‌هایی از آن انتخاب و در مجلدهای جداگانه فراهم نموده است». همچنین در تاریخ ادبیات هرمان اته آمده است: «جامی بعداً منشآت دیگری که بیشتر نمونه‌های علمی و

- سرمشقه‌های نامه‌نویسی در آن گنجانده شده، ضمیمه مخزن الانشاء نموده و آن را صحیفه شاهی نام نهاده است». ظاهراً در این دو منبع اشتباهی صورت گرفته است، زیرا صحیفه شاهی از آثار واعظ کاشفی معرفی شده است و دو نسخه از کتاب مذکور در کتابخانه رضوی و کتابخانه مرکزی تهران، توسط مصحح رؤیت گردید.
۱۳. ر.ک. به: بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۱۹۷.
۱۴. ر.ک. به: اته، هرمان، تاریخ ادبیات، صص ۲۴۴ به بعد.
۱۵. مقصود از «ف» فلان می‌باشد که در متن کتاب به طور مکرر آمده است.

## تازه‌های نشر



### روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفا

این اثر تألیف محمد بن خاوند شاه مشهور به میر خواند از مشهورترین تاریخ‌های عمومی به زبان فارسی است. میرخواند از جمله مورخان عصر تیموری است که در روزگار حکومت سلطان حسین بایقرا در هرات می‌زیست و از نزدیکان و محرمان وزیر ادیب آن عصر امیر علیشیر نوائی بود و به اشاره و حمایت او به تألیف این اثر ارزنده و ماندنی اقدام کرد. میرخواند طرح کتاب روضه الصفا را در هفت مجلد پی‌ریزی کرد و تنها توانست شش مجله آن را به اتمام رساند و مجلد هفتم آن را نوه دختری او خواندمیر مؤلف حبیب السیر بر مبنای یادداشت‌های بجا مانده از میرخواند تألیف کرد. قریب به سیصد و هفتاد سال پس از تألیف روضه الصفا، رضاقلی خان هدایت به دستور ناصرالدین شاه ذیلی در سه مجلد بدان افزود. این بخش از روضه الصفا به روضه الصفا ناصرالدین شاه هدایت در ادامه تألیف از ظهور سلسله صفویه شروع کرده، چه خواندمیر جلد هفتم از روضه الصفا را با پایان حیات سیاسی سلطان حسین بایقرا و شرح مختصری درباره فرزندان او به اتمام می‌رساند که مصادف با ظهور سلسله صفویه بود؛ ذیل هدایت بر روضه الصفا نیز از ظهور صفویه تا ده سال از سلطنت ناصرالدین شاه قاجار را دربردارد. چاپ حاضر بر مبنای چندین نسخه خطی و هشت چاپ سنگی شناخته شده از روضه الصفا در هندوستان و ایران است و افزون بر آن مصحح سعی کرده در تصحیح از منابع مختلف که بعضاً منابع مؤلفان هم بوده سود جوید تا بتواند متن کامل و صحیح همراه با ضبط دقیق اسامی، امکنه، اصطلاحات دیوانی و حوادث تاریخی نسبت به چاپهای قبلی ارائه دهد. این چاپ به همت انتشارات اساطیر به بازار عرضه می‌شود بر مبنای ده جلدی (شش مجلد تألیف میرخواند، یک مجلد تألیف خواندمیر و سه مجلد تألیف هدایت) در پانزده مجلد به شرح ذیل انتشار می‌یابد.

جلد اول: در تاریخ انبیا و سلاطین قدیم ایران، در دو بخش: بخش اول: از آغاز خلقت تا پایان حیات شلوم بن داود بخش دوم: از سلیمان بن داود تا افول سلسله ساسانیان جلد دوم: تاریخ پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین، در دو بخش: بخش اول: در تاریخ اسلام تا پایان سال هفتم هجرت بخش دوم: از سال هشتم هجرت و شرح خلفای راشدین جلد سوم: تاریخ ائمه اثنی عشر (ع) و بنی امیه و بنی عباس جلد چهارم: تاریخ سلاطین ایران تا حمله مغول در دو بخش: بخش اول: در تاریخ حکومت‌های متقارن (طاهریان، صفاریان، آل زیار، آل بویه، سامانیان) غزنویان و سلجوقیان بخش دوم: سلسله خوارزمشاهیان و حکومت‌های محلی ایران جلد پنجم: تاریخ مغول و ایلخان ایران و سرداران جلد ششم: تاریخ تیموریان که مفصل‌ترین بخش کتاب است، در دو بخش: بخش اول: تاریخ امیر تیمور گورکان بخش دوم: بازماندگان امیر تیمور جلد هفتم: نخستین ذیل بر روضه الصفا که توسط خواندمیر به رشته تحریر درآمده، در سلطنت سلطان حسینی بایقرا بانضمام بخش جغرافیا. جلد هشتم: نخستین مجلد از روضه الصفا ناصرالدین شاه قاجار و افشاریان جلد نهم: دومین مجلد از روضه الصفا ناصرالدین شاه قاجاریه و قاجاریه تا پایان سلطنت فتحعلی شاه قاجار در دو بخش: بخش اول: زندیه، و ظهور قاجاریه (سلطنت آقا محمدخان و فتحعلی شاه قاجار) تا پایان جنگ اول ایران و روس بخش دوم: دنباله سلطنت فتحعلی شاه قاجار جلد دهم: سومین مجلد از روضه الصفا ناصرالدین شاه قاجار در تاریخ محمدشاه قاجار و ده سال از سلطنت ناصرالدین شاه که با فتح هرات (۱۲۷۲ ه. ق) و وقایع پیابند آن به اتمام می‌رسد.

تاریخ  
روضه الصفا  
فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفا

بدر ذیل بخش دوم  
از سلیمان بن داود تا افول ساسانیان

تینم  
نخستین ناویدشاه بن محمود میرخواند

چشم‌چشم  
چشم‌چشم